

هو الله

ای یار مهربان آوارگان نامه نامی که اثر كلك عنبرین بود بکمال فرح مطالعه شد صد شکر که مژده صحت وجود ذیجود عالی را داد سبب مسرت وجدان شد و باعث راحت دل و جان گشت تفصیلی از سیاحت این سفر ذکر فرموده بودید ان شاء الله در این جهان سفرهای با روح و ریحان خواهید فرمود و اما سفر حقیقی روحانی خوشتر و دلکشتر است چه که این سفر از عالم خاك بجهان پاکست و از حیز لا بساحت دلگشای الّا است در دمی شرق و غرب طیّ شود و در ساعتی قدم بعرصه قدم در آید انسان حکم طائر ساکن و ساکن طائر و جاری منجمد و منجمد جاری یابد حقیقت جامعه انسانیّه بجمیع شئون و آثار و احکام و اطوار و تشخّصات و تعینات در حیز وجود و ظهور تحقّق یابد ای رفیق شفیق اگر همّتی داری و فسحتی طلبی و سیاحتی جوئی و سیر و تفرّجی خواهی اوّل چشم از عالم و عالمیان بپوش و از مردم و آدمیان بگذر از اوج قبول منقطع شو در کنج خمول چون این آوارگان مأوی کن و از هر فکری و زکری آزاد شو و در جمیع آن منتظر شرب کأس فنا شو و مترصد هجرت از این خراب آباد بجان عزیزت قسم که تا از آنچه دیده و شنیده‌ایم نگذریم و بکلی منقطع الی الله نشویم و از نام و ننگ چشم

نپوشیم و صدور را از هر وهم و خیالی مجرد ننمائیم و در گوشه بی‌توشه‌ئی بذکر خدا فارغ از ما سوی نشویم و بخود مشغول نگردیم فسحت حقیقی نیابیم و سیاحت روحانی نکنیم پس تا توانی بخود مشغول شو زیرا حقیقت بشریه اگر چه مستغرق در ظلمات کونیّه است لکن مقتبس از انوار و اسرار مبدأ حقیقی و افق قدس عالم وجود است چون بخود مشغول شود نورانیّت تزاید نماید و همه انوار گردد و سرّ حقیقت علیکم بانفسکم آشکار شود سالهاست که بمشاهده آیات آفاقیّه چشم را روشن نمودیم حال خوبست چندی نیز بکشف آثار و آیات انفسیه مشغول شویم یعنی سر خویش گیریم و از عالم نوش و نیش در گذریم در زاویه فقر صرف مأوی کنیم و در گوشه فنای محض اعتکاف نمائیم تا این کأس بقا را از دست ساقی فقر و فنا ننوشیم در انجمن یاران شمعی نیفروزیم و در خلوتخانه دل مشعلی مشتعل ننمائیم مثلی است مشهور ایّام را چندی وقف مطرب و می نمائیم ما نیز چندی اوقات را محصور بتوجّه و تنویر حقیقت خویش کنیم تا ملاحظه کنیم که از افق اعلی و ملکوت اسمی چه فیوضاتی ظاهر و لائح گردد از بخل آوارگان و سخاء دیگران مرقوم فرموده بودید فقیر بینوا چه انفاق نماید و محتاج پیشیز چه چیز احسان کند توانگرانند که خوان نعمت نهند و ابواب بخشش بگشایند الحمد لله آنجناب بر سفره مهتا و خوان مهتا وارد شدید و از جمیع نعماء و الاء موجوده یافتید گرسنگی در کاشانه فقرا و بی‌برگی لانه ضعفا را فراموش البتّه نمودید دیگر شکایت چرا و روایت از چه رو مگر آنکه بگوئیم از عالم قناعت گذشته‌اید و ابواب طلب مزید را گشاده‌اید و از این گذشته ما نه مرشدیم نه مسترشد نه مریدیم نه مراد نه مدّعی

علمیم و نه مدّعی کمال آوارگانیم بی سر و سامان و بی نوایانیم بی برگ و مستمند و پریشان نهایت آشفته جمال دلبریم و دلداده کوی مهوشیم دردمند طبیب الهی هستیم و مستمند توانگر معنوی مرغ ضعیفیم لکن گرفتار دام او هستیم پشه حقیریم لکن در پناه سلیمان کشور رحمانی هستیم و از این گذشته چون ببازار جوهریان گذری نه تجلّی یاقوت رمّانی بینی و نه جلوه لعل بدخشانی نه لؤلؤ لالا مشاهده کنی و نه درّ درّی یکتا لکن چون بدکه خرفیان بگذری امواج خذف بینی که مکشوف موج میزند و تلال شیشه بدل ملاحظه نمائی که برق میزند لکن صد هزار بار خذف بدانه گوهری برابری ننماید تفسیر سور و آیات قرآن مجید را خواهش فرمودید چیز مختصری مرقوم شد لکن چون میدان مقابلیست خوش نداشتم ارسال نمایم لهذا باقی گذاشتم و از این گذشته این آیات رنّه لاهوتیه و نغمه رحمانیه است این طیور بال و پر شکسته را چه توانائی که در این فضاء وسیع و اوج رفیع پرواز نماید مگر "لَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرّٰسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ" را ملاحظه نفرموده‌اید این عبد خود را تشنه قطرمئی از بحر علم مشاهده مینماید و اینکه چیزی مرقوم شد نظر بخواهش آنجناب بود خبر پر مسرّتی شنیدم و بسیار مسرور و ممنون گشتم که اراده نموده‌اید که بمجمع دینی در امریکا تشریف ببرید و بسط حقیقت دین مبین الهی و حقیقت قرآن عظیم و علوّ منقبت تعالیم الهی را بفرمائید این عزم بسیار مقبول و محمود چه که اهالی آن صفحات ابداً از حقائق قرآن و اساس دین مبین و شریعت سیّد ولد عدنان خبری ندارند بعضی روایات مفتریه و اوهامات کاذبه شنیده اند و بآن اکتفا نموده‌اند بسیار خوبست که از اسرار مصحف کریم و حقائق تعالیم

و روش و سلوک و اخلاق و اعمال بزرگان پیشین و قواعد و قوانین و اصول و فروع دین مبین اسلام با خبر شوند و نبوت خاصه سید المرسلین ثابت و محقق گردد و فی الحقیقه شما اگر در این امر عظیم و خطب جسیم همّتی بفرمائید اجر جزیل و تأیید ربّ جلیل مقرر و محتوم است و چنین امری را مثل شمائی باید اقدام نماید چه که سائرین از عهده بر نمیایند از خدا میطلبیم که تأیید و توفیق عنایت فرماید و خبر و تفصیل را باوضح عبارات مفصلاً بما خبر دهید که سبب سرور و شادمانی وجدانی گردد باقی همیشه بر سریر شادمانی مستقرّ باشید و السلام.

مؤرخه ۱۵ ذی القعدة سنة ۱۳۱۰ (عبدالبهاء عباس)